

# فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۵؛ ص ۱۶۰-۱۳۷

## ارزیابی قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص جنگ عراق علیه

### ایران و کویت

مصطفی سلیمانی زاده

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

(دریافت: ۹۵/۰۶/۲۵، پذیرش: ۹۵/۰۸/۰۸)

#### چکیده

عملکرد شورای امنیت عادلانه به نظر نمی‌رسد و نیاز به اصلاح ساختار آن بیش از پیش احساس می‌شود. بر این مبنا برای ارزیابی عملکرد جامعه بین‌المللی، توجه به سازمان ملل و به ویژه شورای امنیت اهمیتی دو چندان می‌یابد تا مشخص گردد به چه میزان منطقی، بی‌طرفانه و موفق عمل کرده است. کم توجهی به تحلیل حقوقی جامع تمامی قطعنامه‌ها و شرایط تاریخی و سیاسی صدورشان در اغلب تحقیقات مرتبط مشاهده می‌گردد که این تحقیق درصدد بررسی و تبیین آن برآمده است. هدف، انجام پژوهشی توسعه‌ای در جهت نقد و تبیین عملکرد شورای امنیت و ارزیابی مزایا و محدودیت‌های قطعنامه‌ها در طول دفاع مقدس بوده که با ماهیتی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کیفی و کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری گردآوری و تحلیل شده است.

نوشتار حاضر در نهایت به این نتیجه می‌رسد که شورا، عملکردی سیاسی و دوگانه در قبال تجاوز عراق به ایران و کویت داشته است. در هیچ یک از قطعنامه‌ها (در تجاوز به ایران) تمامی شرایط مدون صدور قطعنامه توسط این شورا لحاظ نگردیده و تمهیدات لازم برای اجرای کامل آن‌ها اندیشیده نشده بود و ۴۰ درصد قطعنامه‌ها نیز هیچ مزیتی برای کشورمان نداشته است. آنجا که امتیازات اندکی هم در قطعنامه‌ها مشاهده می‌گردد به علت پیروزی‌های ایران در میدان نبرد و شرایط سیاسی بین‌المللی بوده است. در واقع میان قدرت نظامی و عملکرد شورا رابطه‌ای مستقیم وجود داشته است.

**کلید واژه‌ها:** شورای امنیت، قطعنامه، دفاع مقدس، حقوق بین‌الملل، عملکرد دوگانه.

### مقدمه

ضرورت تحلیل و واکاوی هر چه بیشتر ابعاد مختلف جنگ تحمیلی بر کسی پوشیده نیست. عملکرد شورای امنیت سازمان ملل همواره مورد رصد دولت‌ها و محققان بوده است و قطعنامه‌های صادره از سوی این شورا در تجاوز عراق به ایران و کویت نیز تاکنون مورد تحقیق و بررسی‌هایی قرار گرفته اما با بررسی اغلب این تحقیقات چند نکته به ذهن متبادر می‌گردد. نکته اول نگرش اغلب یکجانبه آن‌هاست که به ویژه با رویکرد تاریخی و سیاسی همراه شده است و ضعف تحلیل حقوقی در کنار اشاره به شرایط سیاسی و تاریخی در اغلب موارد هویداست. در نتیجه جامعیت لازم مشاهده نمی‌گردد. مورد دوم نوع نگرش‌هاست. به نظر می‌رسد تا کنون از زاویه میزان قدرت نظامی ایران، عملکرد شورای امنیت بررسی جامعی نشده است.

«مطابق پروتکل شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص نحوه صدور قطعنامه‌های مربوط به منازعه میان کشورهای عضو، این شورا می‌بایست شرایط زیر را در مورد صدور قطعنامه‌ها مد نظر قرار دهد:

الف) قطعنامه صادر شده می‌بایست بی طرفانه باشد و یا در صورت مشخص بودن و اثبات متجاوز، در جهت محکوم نمودن متجاوز و حمایت از طرف مظلوم باشد.

ب) به موقع و در سریع‌ترین زمان ممکن برای کنترل اوضاع صادر گردد.

ج) قاطعیت، جامعیت و بازدارنگی لازم را جهت کنترل اوضاع داشته باشد.

د) منطقی و قابل اجرا بوده و از تحمیل تعهدات غیر منطقی و غیر ضروری به طرفین خودداری شده باشد.

ه) تمهیدات و سازوکارهای لازم برای اجرای دقیق مفاد قطعنامه از سوی سازمان تدارک دیده شده باشد.

در طول ۸ سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مجموعاً ۱۰ قطعنامه بین‌المللی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در این خصوص صادر شد که مضمون همه آن‌ها تا حدودی در جهت کنترل و مهار جنگ بوده است. (پارسادوست، ۱۳۷۱: ۲۰) در ذیل شرایط زمانی صدور این قطعنامه‌ها آورده شده و سعی گردیده است تا اوضاع جبهه جنگ در جناح عراق و ایران در زمان قبل و بعد از صدور هر قطعنامه تبیین گردد و بدین ترتیب در خصوص رعایت تمام شرایط لازم برای صدور قطعنامه (مطابق پروتکل تدوین شده شورای امنیت) از سوی اعضای وقت شورا بحث خواهد شد (مفاد و مفاهیم قطعنامه‌های شورای امنیت از سایت رسمی سازمان ملل متحد استخراج، ترجمه و تحلیل شده است.).

## بیان مسئله

حماسه ۸ سال دفاع مقدس بازه وسیعی برای شناخت ظرفیت‌های داخلی و سیاست‌های بین‌المللی برای کشورمان فراهم ساخت و یکی از مسائل عمده‌ای که چالش‌های فراوانی را در پی داشت عملکرد شورای امنیت بود. مسئله اصلی و اساسی این تحقیق رویکرد ناعادلانه شورای امنیت در طول دفاع مقدس و اثبات نیاز به اصلاح ساختار آن است. مسئله تحقیق بیشترین ارتباط را در میان گرایش‌های حقوقی با حقوق بین‌الملل عمومی دارد که مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر جامعه بین‌المللی است.

## سؤالات تحقیق

سؤالات تحقیق در راستای مسئله آن اینگونه بیان می‌شود:

- ۱- شورای امنیت تا چه حد در تجاوز عراق علیه ایران و کویت عملکرد قابل قبول و بی طرفانه‌ای داشته است؟
- ۲- توان نظامی کشور تا چه حد بر رویکرد قطعنامه‌ها تأثیرگذار بوده است؟
- ۳- قطعنامه‌های شورا چه مزایایی و محدودیت‌هایی برای کشورمان در برداشته‌اند؟
- ۴- آیا عملکرد این شورا بیشتر بر مبنای حقوق و عدالت استوار است یا منافع کشورهای تأثیرگذار آن؟

## اهمیت و ضرورت تحقیق

بی شک برای پیشرفت همه جانبه ایران اسلامی توجه بیش از پیش به حقوق بین‌الملل و دفاع حقوقی با ادله‌های مورد قبول جامعه بین‌الملل که اقتناع جهانی را در پی داشته باشد، ضروری می‌نماید. همچنین تحلیل عملکرد سازمان ملل متحد کمک شایانی برای نقد آن و همچنین میزان اعتماد به ساختار بین‌المللی را فراهم می‌کند. هر گونه پیشنهاد برای اصلاح ساختاری این سازمان نیز نیاز به ادله قابل قبول و متقن را دو چندان می‌کند. همچنین باید مزایا و محدودیت‌های این قطعنامه‌ها دقیقاً تحلیل و بررسی گردد. در این مقاله ضمن ارائه بخش‌های قابل توجه قطعنامه‌های شورای امنیت در ارتباط با جنگ تحمیلی، تحلیل حقوقی و مواضع دو کشور نیز بیان شده است.

## اهداف تحقیق

- الف) تحلیل قطعنامه‌های شورای امنیت در تجاوز عراق علیه ایران و کویت و مزایا و محدودیت‌های آن‌ها
- ب) تجزیه، تحلیل و مقایسه عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در جنگ علیه ایران و کویت
- ج) نشان دادن رابطه میان قدرت نظامی با قدرت دیپلماتیک

د) ارزیابی میزان بی‌طرفی و عادلانه بودن عملکرد شورای امنیت

### پیشینه تحقیق و نوآوری‌ها

با مراجعه به اغلب کتب، مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته (قید شده در فهرست منابع و مآخذ و حدود ۱۵۵ عنوان پژوهش صورت گرفته در مورد ابعاد حقوقی و سیاسی دفاع مقدس) در رابطه با موضوع تحقیق به نظر می‌رسد اغلب آن‌ها توجهی جامع و شامل به تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت نداشته‌اند و اغلب پژوهش‌های صورت گرفته نیز رویکرد حقوقی ضعیف‌تری دارند. در این مقاله تلاش بر ارائه تحلیل حقوقی و جامع تمامی قطعنامه‌ها با دیدگاهی جدید و نو بوده است. توجه به نقش قدرت نظامی در رویکرد شورای امنیت، کمی‌سازی عملکرد این شورا و توجه به مزایا و محدودیت‌های هر قطعنامه از جمله این نوآوری‌هاست.

همچنین سعی شده شرایط تاریخی و سیاسی صدور هر قطعنامه مد نظر قرار گیرد، تا بتوان بر این مبنا گفت: تا چه حد جامعه بین‌المللی رویکرد حقوقی خود را در تجاوز عراق علیه ایران حفظ نموده و تا چه حد نیز بازچه دست قدرت‌های بزرگ شده است و اساساً اگر پاره‌ای مزایا نیز در برخی قطعنامه‌ها مشاهده می‌شود، معلول شرایط سیاسی و بین‌المللی است یا رویکردی عادلانه و حقوقی.

بررسی تطبیقی تجاوز عراق علیه ایران و کویت و نتیجه‌گیری حقوقی - نظامی از آن نیز از مهم‌ترین نوآوری‌های پروژه است چرا که اغلب منابع اشاره‌ای بدان نداشته‌اند و یا به صورت گذرا به آن پرداخته‌اند.

### نوع تحقیق

با توجه به شرح بیان مسئله تحقیق و اینکه تحقیق به دنبال شناسایی و تحلیل عملکرد شورای امنیت است نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی است. همچنین تحقیق به دنبال نوآوری و توسعه دانشی موضوع خود می‌باشد و جنبه توسعه‌ای نیز دارد.

### روش تحقیق

روش تحقیق روش کتابخانه‌ای - اسنادی است.

### روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

از طریق:

- الف) مطالعه کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، پایگاه‌های اینترنتی مرجع و مهم و حتی الامکان جدید
- ب) استفاده از تجارب و نظرات اساتید و کارشناسان و صاحب‌نظران حقوقی
- ج) تعقیب، تحلیل و تفسیر آخرین تحولات مربوطه در حوزه‌های مرتبط با تحقیق

د) ارزیابی نظرات و دیدگاه‌ها و تلاش برای انتخاب احسن و جمع‌بندی آن‌ها همچنین تحقیق با ابزار فیش‌برداری گردآوری شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها روش تطبیق داده‌ها با حقوق بین‌الملل عمومی است و در قسمتی از تحلیل آماری نیز استفاده شده است.

## ۱. قطعنامه اول (۴۷۹) در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۶

### ۱-۱. تحلیل حقوقی قطعنامه

«اولین قطعنامه شورا در مورد جنگ تحمیلی (شماره ۴۷۹) در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۶ یعنی یک هفته پس از آغاز تجاوز همه جانبه عراق به داخل مرزهای ایران صادر گردید. چنانکه در متن آن آمده مضمون این قطعنامه توصیه به آتش بس دو طرفه است.» (خالوزاده، ۱۳۷۵: ۴۳)

در همان زمان، تجاوز و ورود ارتش عراق به داخل مرزهای ایران و پیشروی در داخل خاک ایران کاملاً محرز و آشکار و هزاران کیلومتر مربع از خاک جمهوری اسلامی در اشغال رژیم بعث عراق بوده است. از طرفی با نگاهی به حوادث قبل از آغاز تجاوز همه جانبه عراق، من جمله تجاوزات گاه و بی‌گاه هواپیماها و نیروهای زمینی و دریایی ارتش عراق و از طرفی پاره نمودن قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام حسین در مقابل دوربین‌های خبرنگاران و اعلان جنگ تمام عیار این رژیم علیه ایران، از همان ابتدا متجاوز معلوم بوده است.

«از این رو با اینکه اولین قطعنامه تقریباً به موقع بوده است، لیکن در متن آن هیچ اشاره‌ای به متجاوز و محکومیت تجاوز و حمایت از مظلوم نگردیده و از طرفی قاطعیت لازم را برای جلوگیری از ادامه تجاوز نداشته و هیچ سازوکار لازم نیز برای ملزم نمودن متجاوز برای قطع تجاوز اندیشیده نشده بود. به عبارت دیگر شورای امنیت با توصیه طرفین به آتش بس، با بی تفاوتی کامل، تنها از خود رفع تکلیف نموده است و این می‌توانست حتی چراغ سبزی برای ادامه تجاوز ارتش عراق از سوی رژیم بعث تلقی شود.» (روزشمار جنگ، ۱۳۷۵: ۳۲۸)

به رغم اینکه تجاوز رژیم عراق به سرزمین جمهوری اسلامی ایران با مفهوم قطعنامه مجمع عمومی درباره تعریف تجاوز (۱۹۷۴) کاملاً انطباق دارد، معذالک شورای امنیت با صدور قطعنامه شماره ۴۹۷ به مسئله تجاوز عراق علیه ایران به دیده اغماض نگریست. علاوه بر این، شورا در این قطعنامه، جنگ عراق علیه ایران را تنها "وضعیت" توصیف نمود و از آن به عنوان "نقض صلح" یاد نکرد. این قطعنامه نه اشاره‌ای به نقض تمامیت ارضی ایران دارد، نه تجاوز عراق را محکوم کرده، نه پیشنهاد خاصی برای آتش بس داده و نه از نیروهای متجاوز خواسته که سرزمین‌های اشغالی را ترک کنند. این قطعنامه تنها از ایران و عراق می‌خواهد که از استفاده بیشتر از زور خودداری کنند. در واقع مفهوم دیگر این قطعنامه آن است که نیروهای عراقی در مناطق اشغالی باقی بمانند و جمهوری

اسلامی ایران از حمله به نیروی متجاوز برای بازپس گرفتن مناطق اشغالی خودداری ورزد. پس از صدور قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت به مدت ۲۲ ماه سکوت اختیار کرد و این دقیقاً همان ایامی است که نیروهای عراقی به پیشروی ادامه داده و مشغول تحکیم مواضع در مناطق تحت اشغال بودند.

### ۲-۱. مواضع ایران و عراق نسبت به قطعنامه

جوّ بین‌المللی در زمان صدور قطعنامه ۴۷۹ علیه جمهوری اسلامی ایران بود. تبلیغات امریکا در مورد گروگان‌ها، به ویژه پس از ناکامی امریکا در عملیات طبس، عدم حضور و مشارکت مؤثر ایران در مجامع بین‌المللی، نداشتن حمایت اعضای دایم و غیر دایم شورا و فقدان شناخت صحیح و ارزیابی درست از وقایع جهان و تشکیلات بین‌المللی ناشی از فقدان تجربه دولتمردان، در صدور قطعنامه ۴۷۹ مؤثر بود. روش غیر منصفانه و ظالمانه شورا نیز به جو غالب دامن زد و روحیه بدبینی نسبت به شورا در داخل کشور افزایش یافت. مضافاً آن که اختلافات داخلی در سطوح بالای مقامات جمهوری اسلامی ایران مانع از اتخاذ یک سیاست قاطع و صحیح در زمینه مسائل سیاسی و بین‌المللی مربوط به جنگ می‌گردید و این موضوع تأثیر مهمی در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران داشت.

«بدیهی بود که چنین قطعنامه‌ای به محض صدور مورد پذیرش عراق قرار گیرد. عراقی‌ها حتی در نامه رسمی خود راجع به پذیرش قطعنامه از اعضای شورای امنیت عمیقاً تشکر نیز کردند. اما جمهوری اسلامی به عنوان طرفی که هم در عرصه نظامی و هم در عرصه سیاسی مورد ظلم مضاعف قرار گرفت و به دلایلی که ذکر آن رفت، طبعاً قطعنامه را رد کرد.» (روحی، ۱۳۷۶: ۱۱)

### ۲. قطعنامه دوم (۵۱۴) در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۱

شورای امنیت در هنگام اشغال خرمشهر و تا پایان اشغال، هیچ قطعنامه‌ای در جلوگیری از قتل و تجاوز به شهروندان ایرانی و خروج نیروهای عراقی از سرزمین‌های اشغالی ایران صادر نکرد تا اینکه ایرانیان موفق به آزادی خرمشهر گردیدند. در این زمان بود که قطعنامه دوم صادر شد که در آن طرفین توصیه به آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی شدند که این قطعنامه علاوه بر بی‌خاصیت بودن با تأخیر و صرفاً برای رفع تکلیف صادر شده است.

### ۲-۱. تحلیل حقوقی

در مورد این قطعنامه نکات ذیل قابل توجه است:

۱. عنوان این قطعنامه نیز همانند قطعنامه ۴۷۹ «وضعیت میان ایران و عراق» است.
۲. این قطعنامه نیز همانند قطعنامه ۴۷۹ «توصیه» است.
۳. این قطعنامه نیز به "اتفاق آرا" تصویب شد.

۴. فاصله زمانی این قطعنامه با قطعنامه قبلی ۲۱ ماه و ۱۵ روز است که این بی توجهی طولانی خود جای سؤال دارد. بی توجهی مربوط به زمانی است که نیروهای عراقی مشغول استحکام مواضع خود در داخل ایران بودند.
۵. قطعنامه ۵۱۴ با اشاره صریح به قطعنامه ۴۷۶ سعی کرده برای آن قطعنامه نیز مشروعیت و وجهه قانونی کسب کند.
۶. در قطعنامه ۵۱۴، شورای امنیت به خطر افتادن و تهدید صلح را احراز نموده، ولی همچنان اقدامی در مورد معرفی متجاوز و آغازگر جنگ و تنبیه او ننموده و اصولاً صحبتی از تجاوز به میان نیاورده است.
۷. در این قطعنامه برای نخستین بار از برقراری آتش بس، عقب نشینی نیروها و تشکیل نیروی پاسدار صلح و استقرار آنها سخن به میان آمده است.
۸. همچنین برای نخستین بار موضوعاتی مانند احترام به حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها مورد توجه شورا قرار گرفته است. این مفاهیم آن قدر مسائل بی اهمیتی نیستند که در قطعنامه قبلی سهواً فراموش شده باشند و اینک که از نیروهای ایران احساس خطر می‌شود، این مفاهیم پر رنگ می‌شوند. البته به هر حال وجود عباراتی چون احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی در این قطعنامه چرخشی آشکار به نفع جمهوری اسلامی ایران بود. هر چند شورا خواست تا با ذکر عدم مداخله در امور داخلی کشورها، نظر عراق را نیز در این بند تأمین کرده باشد.
۹. در حالی که در قطعنامه ۴۷۹ از دبیرکل خواسته شده بود ظرف ۴۸ ساعت به شورای امنیت گزارش دهد، این مهلت در قطعنامه ۵۱۴ سه ماه تعیین شده است. این بار شورای امنیت متوجه شده که مسئله به آسانی قابل حل نیست.
۱۰. در قطعنامه اخیر برخورد جدی‌تر و قوی‌تری با مسئله شده است. علت عمده این بود که افکار بین‌المللی قدرت نظامی ایران را باور کرده بود و با حذف بنی‌صدر از ریاست جمهوری، یگانگی و وحدت نسبی در میان زمامداران جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده بود. البته سایر عوامل نامساعد بین‌المللی به ضرر جمهوری اسلامی ایران هنوز موجود بود.
۱۱. عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی که در بند ۲ قطعنامه مطرح شد، هنگامی مورد گفتگو قرار گرفت که نیروهای عراق از اکثر نقاط مهم و استراتژیک ایران بیرون رانده شده بودند. به بیان دیگر، هنگامی صحبت از عقب نشینی نیروها شد که در نقاط جنوبی جبهه، نیروهای ایران به مرزهای بین‌المللی رسیده بودند.

## ۲-۲. مواضع ایران و عراق

به دلایلی که ذکر شد، قبول قطعنامه از طرف عراق و رد آن از طرف ایران قابل پیش‌بینی بود و این

امر تحقق یافت. نهایت آن که، جمهوری اسلامی ایران پس از تصویب قطعنامه ۵۱۴ در شورای امنیت دست به تحریم شورا زد و در جلسات آن شرکت نکرد. دلیل ایران این بود که چگونه آزادسازی سرزمین‌هایی که به طور غیر قانونی و با زور اشغال شده، می‌تواند تهدید عمیقی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار رود که تشکیل جلسه فوری شورای امنیت را - پس از نزدیک به دو سال که از اشغال این سرزمین‌ها می‌گذرد - ضروری سازد.

### ۳. قطعنامه سوم (۵۲۲) در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۱۲

#### تحلیل حقوقی

این قطعنامه در واقع تکراری و تأکیدی بر قطعنامه‌های قبل است و نکته جدیدی را دربر نمی‌گیرد. پس از آزادی خرمشهر، با توجه به افزایش روحیه نیروهای ایرانی فکر تنبیه متجاوز در ایرانیان قوت گرفت تا با توجه به اینکه سازمان‌های بین‌المللی هیچ اقدام باز دارنده و در خور توجهی را به عمل نیاورده‌اند پس باید خود ایران اسلامی نسبت به تنبیه متجاوز و از کار انداختن ماشین جنگی رژیم عراق اقدام نموده تا در آتی از جانب هر متجاوز از جمله تجاوز مجدد عراق در امان باشد. از این رو قوای ایران در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ یعنی ۵۰ روز پس از آزادسازی خرمشهر، عملیات رمضان را آغاز کرد که هدف آن عقب راندن نیروهای ارتش عراق و تهدید بصره بود و این ترس خودبه‌خود برای متجاوز و سازمان‌های بین‌المللی به وجود آمد که ممکن است نیروهای ایرانی بخواهند وارد خاک عراق شده و در آن پیشروی نمایند. بنابراین به مرور و با پیروزی‌هایی که ایرانیان به‌دست آوردند نگرانی حامیان رژیم بعث عراق از احتمال سقوط این رژیم و شکست آن بیشتر شد. بنابراین ضمن اقدام عملی و کمک بسیار به ارتش از هم پاشیده عراق و حضور فیزیکی نیروی انسانی و تجهیزاتی و اطلاعاتی و فنی و مستشاری از سوی آمریکا، روسیه، فرانسه، مصر و سایر هم قطاران، شورای امنیت نیز در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۱۲ یعنی کمتر از ۳ ماه پس از قطعنامه دوم، سومین قطعنامه (۵۲۲) را صادر کرد که در آن طرفین را به آتش بس فوری و عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی فرا خواند و خودبه‌خود این موضوع متبادر می‌شود که قطعنامه مزبور برای بازدارندگی موفقیت‌های آتی ایران صادر شده است.

### ۴. قطعنامه چهارم (۵۴۰) در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۹

این قطعنامه با وجود آن که در پی اعزام گروه حقیقت‌یاب سازمان ملل برای بررسی آثار حملات توپخانه‌ای عراق به مناطق مسکونی ایران و تهیه گزارش مستند و ارائه آن به شورای امنیت سازمان ملل صورت گرفت، نکته تازه‌ای در برداشت و تکرار قطعنامه‌های پیشین این شورا بود. همچنین، قطعنامه ۵۴۰ پس از پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های نبرد صورت گرفت. می‌توان گفت والفجر ۴، تا آن تاریخ موفق‌ترین عملیات ایران بود؛ شاید به همین دلیل چند روز



پس از آن، شورای امنیت به فکر صدور این قطعنامه افتاد. طرح قطعنامه توسط کشورهای گویان، زئیر و توگو ارائه شد و در جلسه نهم آبان ۱۳۶۲ با رأی موافق، سه رأی ممتنع (پاکستان، نیکاراگوئه و مالت) و بدون رأی مخالف تصویب شد.

#### ۴-۱. تحلیل حقوقی

از زمان آغاز جنگ، رژیم عراق بارها به مناطق مسکونی و شهرهای ایران حمله و تأسیسات زیر بنایی کشور را تخریب نموده بود، از طرفی از همان ابتدای جنگ، جنگ دریایی در مناطقی از خلیج فارس را آغاز کرده و کشتی‌های تجاری و نفتی ایران را مورد حمله قرار داده بود، به طوری که برای مدتی صدور نفت ایران متوقف شد. پس از فتح خرمشهر و قدرت گرفتن نیروهای ایرانی، ایران تهدید کرد که در صورت ادامه حملات عراق، تنگه هرمز را خواهد بست. با توجه به اینکه تنگه هرمز یکی از مناطق استراتژیک اقتصادی جهان در حد فاصل دریای عمان و خلیج فارس بود و روزانه ده‌ها کشتی تجاری و نفتکش متعلق به کشورهای مختلف از آن عبور و مرور می‌کردند، این تهدید برای حامیان عراق بسیار جدی و غیر قابل تحمل می‌نمود. شورای امنیت که تا پیش از این تاریخ، حمله به مناطق مسکونی و زیر بنایی و کشتی‌های تجاری ایران را محکوم نکرده بود در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۹ و پس از عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱، ۲، ۳ و ۴ از سوی قوای ایرانی و پس از آنکه ایران نیز با چند موشک مناطقی از عراق را مورد حمله قرار داد. قطعنامه چهارم (۵۴۰) را صادر کرد که در آن طرفین توصیه به توقف فوری جنگ گردیده و حمله به منطق مسکونی و کشتی‌های تجاری محکوم شده بود.

در بررسی و تحلیل تطبیقی این قطعنامه نکات زیر حائز اهمیت است:

۱. عنوان این قطعنامه همچنان «وضعیت میان ایران و عراق» است.
۲. این قطعنامه نیز همانند قطعنامه‌های قبلی «توصیه» است.
۳. ریاست شورا در موقع تصویب قطعنامه نماینده اردن بود که با توجه به روابط ویژه اردن با عراق در آن زمان، رئیس شورا در تصویب قطعنامه نقش مهمی داشت.
۴. قطعنامه متعاقب عملیات زنجیره‌ای والفجر و به ویژه «الفجر ۴» صادر شده و متأثر از آن بود. فاصله زمانی شروع عملیات والفجر تا صدور قطعنامه ۵۴۰ فقط ۱۲ روز است.
۵. شورا برای تأکید بر رعایت حق کشتیرانی و بازرگانی آزاد (پاراگراف ۳ اجرایی) دیر عمل کرده است. زیرا در واقع پس از صدور قطعنامه ۵۲۲ بود (مهر ۱۳۶۱) که عملیات شدید حمله به کشتی‌ها و نفتکش‌ها در خلیج فارس توسط عراق آغاز شد.
۶. در بندهای ۳ و ۵ قطعنامه به «خلیج» اشاره شده و منظور «خلیج فارس» است. بحث در مورد نام اصیل و تاریخی خلیج فارس خود مبحث گسترده‌ای است که کوچک‌ترین تردیدی در صحت و اصالت این نام باقی نمی‌گذارد. کاربرد نام ناقص و اسمی عام به جای اسم خاص «خلیج فارس» در

قطعنامه شورای امنیت مبین جهت‌گیری شورا به سود محافظی است که سعی در تحریف نام تاریخی خلیج فارس دارند؛ زیرا در این مورد علاوه بر صدها سند و مدرک، دستورالعمل صریح و کاملاً روشن دبیرخانه سازمان ملل متحد راه را بر هر گونه ابهامی بسته است. قاعدتاً شورای امنیت نمی‌تواند از چنین دستورالعملی بی‌اطلاع باشد. مضافاً آنکه تأکیدات مکرر و حساسیت جمهوری اسلامی ایران را نیز در این مورد شاهد بوده است.

۷. قطعنامه ۵۴۰ اولین مورد از قطعنامه‌های مورد بررسی است که به اتفاق آرا به تصویب نرسیده است. این اولین بار بود که اتفاق آرا شکسته می‌شد و سه کشور به آن رأی ممتنع می‌دادند. ۸. قطعنامه ۵۴۰ شامل عناصر مثبتی نیز هست. از جمله اینکه در آخرین بند مقدماتی لزوم بررسی واقع بینانه علل جنگ را که پیوسته جمهوری اسلامی ایران بر آن پای می‌فشرد، می‌پذیرد و این در نوع خود تا آن زمان بی‌نظیر است؛ اگر چه این کار با سه اشکال عمده توأم بود: اول آنکه چنین مسئله مهمی تنها در قسمت مقدماتی قطعنامه آورده شده و در قسمت اجرایی برای آن روشی اختصاص داده نشده است؛ دوم با وجود آن که شورا پذیرفته است جنگی واقع شده اما از تجاوز سخنی به میان نیاورده است. حتی اگر شورا برای این کار «محذوراتی» داشته، می‌توانسته است با کاربرد لفظ «نقض صلح» منظور خود را ابراز نماید که چنین نکرده است؛ و سوم آن که به مسئله‌ای با این اهمیت، بسیار مبهم و گذرا اشاره شده است.

به هر حال این نکته را نمی‌توان منکر شد که تا این مقدار نیز پیشرفت مهم و چرخشی امیدبخش در سلسله حرکات شورا پدید آمده بود.

۹. اشاره به گزارش هیئت بازرسی مناطق غیر نظامی در ایران و عراق که هدف حملات نظامی قرار گرفته بودند و «واقع بینانه، متوازن و عینی» خواندن آن، با توجه به نتیجه‌گیری گزارش، نکته‌ای مثبت به نفع جمهوری اسلامی ایران بود.

۱۰. «تصریح و احصای موارد مذکور در بند ۳ قسمت اجرایی قطعنامه، به نحوی است که بتواند رضایت هر دو طرف را دربر داشته باشد. مثلاً امنیت خطوط دریایی بیشتر مورد نظر ایران بود و امنیت آبراهه‌ای قابل کشتیرانی مورد درخواست عراق. پایانه‌ها به قصد جلب رضایت ایران و بنادری که به طور غیر مستقیم به دریا راه دارند، با نیت رضایت عراق ذکر شده بود.» (پست، ۱۳۶۹: ۱۳)

#### ۴-۲. مواضع

اگر چه امام جمعه تهران، در خطبه نماز جمعه تهران قطعنامه ۵۴۰ را رد کرده و توضیح دادند که اصولاً سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال شورای امنیت تغییر نکرده است، مگر آنکه شورا سیاست‌های خود را تغییر دهد. لیکن با توجه به آنچه در بندهای ۷ تا ۱۰ ذکر شد، برای اولین بار نگاه جدی‌تری در مورد این قطعنامه در جمهوری اسلامی ایران به عمل آمد. این بررسی اگر چه

تغییری در موضع رد قطعنامه در پی نداشت، اما این فکر به وجود آمد که در آینده می‌توان انتظار صدور قطعنامه‌های واقع بینانه‌تری از شورای امنیت سازمان ملل داشت.

### ۵. قطعنامه پنجم (۵۵۲) در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۱۱

از اردیبهشت ماه سال ۶۳ جنگ کشتی‌ها در خلیج فارس به طور آشکار آغاز شد و با توجه به تداوم تهدید ایران به بستن تنگه هرمز در صورت ادامه حملات عراق به کشتی‌های ایرانی و حمایت غرب از عراق و مشخص شدن جدیت ایران در دفاع و احتمالاً بستن تنگه هرمز، در این شرایط بود که قطعنامه پنجم (۵۵۲) شورای امنیت صادر شد که در آن حفظ آزادی کشتیرانی و محکومیت حمله به کشتی‌های تجاری مورد تأکید قرار گرفته بود.

این قطعنامه در جلسه ۲۵۴۶ با اکثریت سیزده رأی مثبت در برابر هیچ رأی منفی و دو رأی ممتنع (نیکاراگوئه و زیمبابوه)، تصویب گردید.

#### ۵-۱. تحلیل حقوقی

در این قطعنامه دو نکته مهم و واقع نگرانه دیده می‌شود:

به گزارش نمایندگان دبیر کل سازمان ملل که طی آن حقایق تا حدودی آشکار گردیده و حملات عراق به شهرها و مناطق مسکونی و تخریب عمدی شهرهای ایران نظیر خرمشهر و هویزه با وسایل مکانیکی مورد مشاهده و تأیید نمایندگان مزبور قرار گرفته بود، اشاره شد.

لزوم بررسی واقع بینانه علل جنگ مورد توجه واقع گردید.

در بندهای مقدماتی این قطعنامه، از حمله به کشتی‌ها در مسیرهای بنادر عربستان سعودی و کویت اظهار نگرانی شده و در بندهای اجرایی از دولت‌ها خواسته شده که به حق آزادی کشتیرانی طبق موازین حقوق بین‌الملل احترام بگذارند. همچنین حمله به کشتی‌های تجاری در مسیرهای بنادر کویت و عربستان محکوم شده است. متوقف ساختن حمله علیه کشتی‌ها در مسیر بنادر و تأسیسات کشورهای ساحلی که طرف مخاصمه نیستند، خواسته شده است.

اگر چه رژیم عراق از ابتدای جنگ تا تاریخ ۱۳۶۳/۴/۱۹، ۱۱۲ کشتی را در خلیج فارس مورد حمله قرار داده بود و به رغم اعتراف صریح رژیم بعثی به انجام اینگونه حملات که طی آن‌ها تعداد کثیری از خدمه کشتی‌ها کشته و مجروح شدند، شورای امنیت که پس از مدت‌ها سکوت این موضوع را مورد بررسی قرار داد، از ذکر نام عراق به عنوان ناقض موازین بین‌المللی و برهم زننده امنیت کشتیرانی در منطقه خلیج فارس و محکوم کردن این رژیم خودداری نمود.

#### ۵-۲. مواضع ایران و عراق

به دنبال انتساب چند حمله از طرف ایران به کشتی‌ها در خلیج فارس، شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۸۴، طی شکایتی به شورای امنیت خواستار شد که شورا علیه اقدامات

تلافی جویانه ایران و نقض حقوق کشتیرانی آزاد در خلیج فارس شدت عمل نشان دهد. بنابراین، شورای امنیت پس از بررسی شکایت با ۱۳ رأی موافق و دو رأی ممتنع قطعنامه ۵۲۲، را تصویب کرد. به این قطعنامه ایرادهای متعددی وارد است. از جمله این که فلسفه وجودی آن نسبت دادن چند حمله به کشتی‌ها، توسط جمهوری اسلامی ایران بود؛ اما این انتساب، ثابت نشد. این در حالی است که شورا در برابر حملاتی که عراق به صراحت مسئولیت آن‌ها را به عهده گرفته بود، عکس العمل مناسبی نشان نداد. یکی دیگر از ایرادهای وارده به قطعنامه ۵۵۲، این است که از روح و مفاد قطعنامه و تصریح محکومیت حملات اخیر به کشتی‌های بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان این چنین مستفاد می‌شود که شکایت شورای همکاری خلیج فارس مورد تأیید شورای امنیت قرار گرفته است، لذا روشن بود که این قطعنامه کاملاً مورد قبول جمهوری اسلامی واقع نشد، برعکس عراق نسبت به آن واکنش مثبتی نشان داد.

#### ۶. قطعنامه ششم (۵۸۲) در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۵

از مهر ماه سال ۱۳۶۳ تا مهر ماه سال ۱۳۶۴، سال فروکشی موقت آتش جنگ و آغاز اقدامات سیاسی از سوی ایران برای پایان جنگ بوده است. اقدامات سیاسی ایران در این سال چندان نتیجه بخش نبود. شورای امنیت هم در این دوران هیچ قطعنامه‌ای در حمایت از اقدامات ایران برای توقف جنگ صادر نکرد. تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ قوای ایران پس از ناامیدی از تلاش سیاستمداران خود برای توقف جنگ، دست به اجرای عملیات والفجر ۸ نمود که در آن موفق به فتح فاو و اسارت تعداد زیادی از نیروهای عراق گردید. پس از موفقیت قوای ایران قطعنامه ششم (۵۸۲) شورای امنیت صادر شد که در آن طرفین توصیه به آتش بس فوری و عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی شدند. در این قطعنامه مبادله اسرا نیز از طرفین در خواست شده بود.

#### ۶-۱. تحلیل حقوقی

در بندهای مقدماتی قطعنامه مزبور، ضمن اشاره به تصمیمات قبلی شورای امنیت و نگرانی از ادامه جنگ، به موازین منشور و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در خصوص منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی استناد شده است.

در بندهای اجرایی قطعنامه، ۵۸۲ از اقدامات اولیه‌ای که موجب بروز جنگ بین دو کشور شده و نیز ادامه و گسترش جنگ، به ویژه بمباران مناطق مسکونی، حمله به کشتی‌های دول بی طرف و هواپیماهای غیرنظامی و نقض حقوق انسان دوستانه اظهار تأسف شده و از طرفین می‌خواهد که با آتش بس فوری، تمام عملیات جنگی را در دریا و زمین و هوا متوقف سازند و نیروهای خود را به مرزهای بین‌المللی عقب بکشند. همچنین مبادله کامل اسرا پس از توقف کامل عملیات جنگی با همکاری صلیب سرخ بین‌المللی خواسته شده است و در ادامه بندهای اجرایی از دبیر کل خواسته

شده تا در اجرای مفاد این قطعنامه توسط طرفین، به تلاش‌هایش ادامه دهد.

در بند چهارم این قطعنامه آمده بود:

شورا درخواست دارد که مبادله اسرای جنگی ظرف مدت کوتاهی پس از توقف مخاصمات با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ انجام گیرد.

برای اولین بار بود که مسئله اسرای جنگی مطرح می‌شد و علت آن افزایش تعداد اسرای عراقی نسبت به تعداد اسرای ایرانی بود.

این قطعنامه نیز همانند قطعنامه‌های قبلی جنبه توصیه داشت. فاصله زمانی صدور قطعنامه ۵۵۲ تا قطعنامه ۵۸۲، یک سال و هشت ماه و بیست و پنج روز و تا قطعنامه ۵۴۰ دو سال و ۳ ماه و ۲۶ روز است. در خلال این مدت طولانی، چندین عملیات نظامی از سوی ایران صورت گرفت که از آن میان عملیات خیبر و والفجر ۸ نتایج چشمگیرتری داشتند. شورای امنیت به فاصله دو روز پس از شروع عملیات والفجر ۸ بحث خود را در مورد جنگ عراق با ایران آغاز کرد که منجر به صدور قطعنامه ۵۸۲ شد.

بدین ترتیب می‌توان گفت که عامل مهم در تعیین زمان صدور قطعنامه ۵۸۲ عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو به وسیله قوای ایران بوده است.

## ۶-۲. مواضع ایران و عراق

جمهوری اسلامی ایران در اظهار نظر راجع به قطعنامه ۵۸۲ اعلام داشت: آن قسمت از قطعنامه که به کل موضوع جنگ و خاتمه خصومت‌ها مربوط می‌شود، ناقص، بی اعتبار و غیر قابل اجرا است. تا زمانی که شورا قادر نباشد به رغم اعمال نفوذ برخی از اعضای دائم که بر اتخاذ مواضع یک طرفه اصرار می‌ورزند، مواضع عادلانه و صحیح مبتنی بر مسئولیت‌ها و وظایف خود را اعمال نماید، مسئولیت ادامه جنگ بر عهده شورا است. شورا، عراق را در حمله به خاک ایران محکوم نکرده است. قطعنامه به لزوم حل مسالمت آمیز اختلافات اشاره دارد، ولی از نقض همه جانبه این اصل توسط عراق در هجوم به ایران ذکری نکرده است. در مورد کاربرد سلاح شیمیایی، در قطعنامه برخورد ملایم‌تری از موضع‌گیری قبل شورا (بیانیه آوریل ۱۹۸۵) شده است. شورا در مورد حمله به هواپیمای مسافربری و تهدیدات امنیت هوایی و حمله به مناطق مسکونی می‌بایست موضع‌گیری محکم‌تری می‌کرد.

عراق نیز اعلام داشت، چنان چه دولت ایران قطعنامه ۵۸۲، را رسماً و بدون قید و شرط قبول و اجرا کند، عراق نیز آماده است آن را اجرا نماید. به این ترتیب این قطعنامه نیز بی اثر ماند.

## ۷. قطعنامه هفتم (۵۸۸) تاریخ ۱۶/۷/۱۳۶۵

در اواخر سال ۱۳۶۴ و اوایل سال ۱۳۶۵ عملیات والفجر ۹ و کربلای ۱ از سوی ایران اجرا گردید و

در این دوره بود که استراتژی دفاع متحرک عراق به شکست انجامیده بود. پس از این تحولات در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱۶ قطعنامه هفتم (۵۸۸) شورای امنیت صادر شد که در آن اجرای قطعنامه ششم (۵۸۲) مورد تأکید قرار گرفته بود.

### ۷-۱. تحلیل حقوقی

بندهای مقدماتی این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی از طولانی شدن جنگ، مطالب قطعنامه‌های قبلی را تکرار کرده، در بندهای اجرایی از ایران و عراق می‌خواهد که بدون تأخیر قطعنامه ۵۸۲ را به مورد اجرا بگذارند. در قطعنامه از دبیر کل خواسته شده که برای اجرای آن تلاش بیشتری به عمل آورده و نتیجه را تا ۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ به شورای امنیت گزارش کند.

مواردی که در رابطه با قطعنامه ۵۸۸، می‌توان برشمرد به شرح زیر است:

عنوان قطعنامه چون گذشته "وضعیت ما بین ایران و عراق" است و جنبه توصیه بودن قطعنامه نیز بر جای خود می‌باشد. ضمن آنکه از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده، کوتاه‌ترین قطعنامه از مجموع قطعنامه‌های مورد مطالعه است. در پاراگراف‌های اجرایی قطعنامه ۵۸۸، مطلب تازه و جدیدی نیست، جز آنکه خواستار اجرای قطعنامه ۵۸۲ شده است، درخواست دبیر کل برای شدت بخشیدن به تلاش‌هایش و اعلام ادامه بررسی شورا نیز تازگی ندارد. تنها در پاراگراف سوم عبارت "بررسی گزارش دبیرکل و شرایط لازم برای برقراری صلح با دوام بین دو کشور" حاوی مطلب جدیدی است. می‌توان گفت که شورا با قطعنامه ۵۸۸ آخرین اتمام حجت خود را برای پذیرش قطعنامه‌هایی از نوع آنچه تا آن زمان صادر کرده بود، انجام داده و راه را برای تحولی اساسی و عظیم در نگرش خود نسبت به کل موضوع جنگ هموار ساخته است.

قطعنامه ۵۹۸، نه یک شبهه به وجود آمد و نه محصول تفکری یک بعدی و یک جانبه بود. این قطعنامه بنایی بود که برای ایجاد آن زمینه‌های مناسب لازم داشت و قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸ از جمله این زمینه‌ها بود، زیرا اولین عبارت قطعنامه ۵۹۸ اشاره به قطعنامه ۵۸۲ دارد. از این رو اهمیت قطعنامه ۵۸۸ و پیام ویژه آن به این لحاظ است و در جنبه‌های دیگر فاقد ارزش چندانی است.

### ۷-۲. موضع ایران و عراق

عراق قطعنامه ۵۸۸ را پذیرفت و جمهوری اسلامی ایران توسط نامه‌ای که برای دبیرکل سازمان ملل ارسال شد، یکی از صریح‌ترین و مستدل‌ترین موضع‌گیری‌های خود را در قبال قطعنامه‌های شورای امنیت عموماً و قطعنامه ۵۸۸ به ویژه اعلام کرد. این نامه با شرح اقدامات تجاوزکارانه عراق و موضع‌گیری‌های مقطعی و دور از حقیقت شورای امنیت تا آن روز، زمینه مناسبی ایجاد کرد تا شورای امنیت، به طور جدی در موضع خود نسبت به جنگ تحمیلی تجدید نظر نماید.

به این ترتیب این قطعنامه نیز سرنوشتی مشابه قطعنامه‌های قبلی پیدا کرد. در فاصله صدور قطعنامه ۵۸۸ تا ۵۹۸، عملیات‌های متعددی در جبهه‌های جنگ صورت گرفت که مهم‌ترین آن‌ها سلسله عملیات فتح، کربلا و نصر است. وجه مشترک اکثر این مجموعه عملیات، این بود که در داخل خاک عراق انجام می‌شد و اغلب توام با "موفقیت" در رسیدن به اهداف تعیین شده بود. به این ترتیب تهدیدی بسیار فزاینده برای عراق به وجود آمده بود. به ویژه با پیشروی نیروهای ایران به سوی بصره، شورای امنیت نسبت به جنگ بیشتر حساس می‌شد. در همین زمان نیروی هوایی عراق حملات خود را در منطقه خلیج فارس به روی تأسیسات انتقال نفت ایران و همچنین نفتکش‌ها گسترش داد. همچنین با بهره‌برداری از پایگاه‌های برخی از کشورهای منطقه، عراق توانست به جزایر سیری و خارک حمله کند. در چنین فضایی بود که قطعنامه ۵۹۸ به عرصه ظهور رسید.

#### ۸. قطعنامه هشتم (۵۹۸) در تیرماه ۱۳۶۶

در اواخر سال ۱۳۶۵ و اوایل سال ۱۳۶۶ چندین عملیات کوچک و بزرگ من جمله کربلای ۴، ۵ و ۱۰ و نصر ۴ توسط نیروهای ایرانی طراحی و اجرا شد. در عملیات کربلای ۵ شدیدترین درگیری‌های طول جنگ در پشت دروازه‌های شهر بصره و تهدید بصره توسط ایران به وقوع پیوست. در این دوران موازنه قدرت به نفع ایران بود. از این رو از اسفند ۱۳۶۵ (دوباره پس از عملیات کربلای ۵) تلاشی جهانی برای تهیه و تنظیم قطعنامه هشتم شورای امنیت موسوم به ۵۹۸ آغاز شد و در پایان تیر ماه ۶۶ به تصویب شورای امنیت رسید. هم‌زمان تلاش آمریکا برای افزایش تحریم اقتصادی و تسلیحاتی ایران نیز شدت گرفت. در این قطعنامه، تصمیم به خاتمه دادن به منازعه ایران و عراق گرفته شد و آتش بس فوری و پیدا کردن یک راه حل جامع و شرافتمندانه و عادلانه و عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی و اعزام تیم نظارت به مرزهای دو کشور مورد تأکید قرار گرفت. اما این تنها قطعنامه‌ای بود که می‌توانست حداقل خواسته‌های ایران را تأمین کند و نسبت به سایر قطعنامه‌های صادر شده سازمان ملل منطقی‌تر جلوه نماید. ایران به دلیل برخی از ملاحظات سیاسی و نظامی ابتدا از پذیرش آن سر باز زد و پیش شرط‌هایی را برای پذیرش عنوان کرد. تبلیغات گسترده جهانی پیرامون قطعنامه ۵۹۸، جهت تحت فشار قرار دادن ایران آغاز شد، هم‌زمان ایران با اعزام هیئتی، تحت عنوان گروه کار به نیویورک در خصوص مذاکرات فنی و کارشناسی، پیرامون آشنایی با طرح اجرایی دبیر کل سازمان ملل، تلویحاً موافقت خود را با پیش شرط‌هایی اعلام کرد و این در شرایطی بود که عراق صریحاً طرح اجرایی دبیر کل را رد کرده بود.

#### ۸-۱. تحلیل حقوقی

بندهای مقدماتی این قطعنامه، علاوه بر تکرار مطالب قطعنامه‌های قبلی، آغاز و تداوم جنگ را مورد

نکوهش قرار داده و بمباران مراکز جمعیت غیرنظامی، حمله به کشتی‌های بی‌طرف و هواپیماهای غیر نظامی، نقض اصول انسان دوستانه و سایر قواعد حقوق بین‌الملل و به ویژه استفاده از سلاح شیمیایی را سرزنش کرده است.

در تحلیل قطعنامه از نظر صوری و شکلی اهم نکات قابل توجه عبارتند از:

۱. عنوان قطعنامه، نظیر قطعنامه‌های پیشین وضعیت مابین ایران و عراق نیست، بلکه برای اولین بار قطعنامه تحت عنوان "منازعه بین ایران و عراق" صادر شده است.
۲. این قطعنامه چه از نظر شکلی و چه از نظر ماهوی توصیه نیست، بلکه تصمیم برخاسته از اعتقاد شورای امنیت است و این موضوع علاوه بر محتوای قطعنامه، در آغاز پاراگراف‌های ۱، ۷، ۸ و ۱۰، قسمت مقدماتی و پاراگراف ۱۰ اجرایی، صراحت دارد. اگر چه در این مورد تناقضی وجود دارد و آن این که در بعضی موارد (اشاره به تعهد دولت‌ها به حل مسالمت آمیز اختلافات خود و بندهای ۳، ۴، ۵، و ۶ قسمت اجرایی قطعنامه) حالت قطعنامه توصیه است، اما به هر حال حالت آمریت قطعنامه غالب است.
۳. از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده، قطعنامه مفصلی است.
۴. این قطعنامه به اتفاق آرا صادر شد.
۵. از نظر فاصله زمانی، قطعنامه ۵۹۸ با قطعنامه قبلی، نه ماه و نیم فاصله دارد (برای تنظیم قطعنامه جامعی که فصل مشترک نظریات شورا، عراق و ایران باشد).
۶. وضعیت جبهه‌های جنگ، به صورتی بود که نگرانی شورا را به همراه داشت. به عبارت دیگر، اگر چه قطعنامه حاصل مدت‌ها مذاکره و مشورت بود، ولی مقطع زمانی صدور آن جالب است. هم احتمال تشدید و هم احتمال گسترش جنگ موجب نگرانی شورا شده بود. مقصود از تشدید جنگ، نزدیک شدن قوای ایران به بصره و عملیات پی‌درپی در داخل خاک عراق بود و مراد از گسترش جنگ، نزدیک شدن قوای ایران به مرزهای عراق و کویت و گسترش درگیری در خلیج فارس بود.

## ۸-۲. موضع ایران و عراق

ایران در ابتدا قطعنامه ۵۹۸ را رد یا قبول نکرد.

این موضع‌گیری نزدیک به یک سال ادامه داشت. به نظر می‌رسد بهترین دلیلی که برای اتخاذ این موضع (نه رد و نه قبول) می‌توان اقامه کرد، این است که ج.ا.ایران به دلیل عدم تحقق کامل نظریاتش قطعنامه را نپذیرفت.

اما به خاطر توجهی که به اصول مورد نظر ایران در قطعنامه شده بود و به دلیل اینکه با توجه به شرایط سیاسی و بین‌المللی بیش از این امکان امتیاز گرفتن از شورا وجود نداشت و اصولاً به خاطر "روز مبادا" قطعنامه را رد هم ننمود.



عراق در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۷ قطعنامه را مورد پذیرش قرار داد.

### ۹. قطعنامه نهم (۶۱۲) در ۱۳۶۷/۲/۱۹

پس از صدور قطعنامه هشتم (۵۹۸) با ادامه جنگ و تمایل عراق به خاتمه جنگ در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۱۹ قطعنامه نهم (۶۱۲) شورای امنیت صادر شد.

#### تحلیل حقوقی:

در این قطعنامه کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق مورد تأیید قرار گرفت و اجرای فوری مفاد پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای شیمیایی و محکومیت کاربرد آن‌ها مورد توجه و تأکید واقع شد. این وضعیت در حالی بود که تاکنون بارها و بارها در مجموعه عملیات مختلف ایران مورد حملات و بمباران‌های وحشتناک شیمیایی قرار گرفته بود و آثار زیانبار کاربرد این سلاح کشتار جمعی هنوز هم در ایران هر از چندی فردی را به کام مرگ می‌کشاند. شهر حلبچه در مورخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ مورد بمباران شیمیایی توسط رژیم عراق قرار گرفته بود، پس این توهم به وجود آمد که شاید ایران نیز به توانایی کاربرد سلاح شیمیایی دسترسی پیدا نموده و اقدام متقابل نماید. همانند جنگ شهرها و نفتکش‌ها! پس این قطعنامه برای باز دارندگی ایران از به‌کارگیری توانمندی‌های احتمالی‌اش صادر شد. پس باید اعلام نمود که ایران، بمباران شهر حلبچه را تهدیدی شیمیایی علیه شهرهای خود تلقی نمود.

لازم به یادآوری است که شورای امنیت در حالی به این صراحت از تأیید و محکوم ساختن استفاده وسیع عراق از تسلیحات شیمیایی خودداری ورزیده که رسانه‌های بین‌المللی با دیدار از حلبچه و مصاحبه با شاهدان عینی، حملات شیمیایی عراق را تصدیق و تصاویر آن را در سطح وسیعی منتشر ساخته بودند.

### ۱۰. قطعنامه دهم (۶۲۰) در تاریخ ۱۳۶۷/۶/۴

#### تحلیل حقوقی:

در اوایل سال ۱۳۶۷ پس از ناامیدی سازمان‌های جهانی از توقف پیشرفت‌های ایران و نگرانی از شکست آمریکا در تئوری جنگ بدون برنده ایران و عراق، ارتش آمریکا مستقر در خلیج فارس دست به تحرکات وسیعی علیه ایران زد که مهم‌ترین آن‌ها در تیر ماه سال ۶۷ بود، ناو وینسنس آمریکا به فرماندهی ویلیام راجرز در یک اقدام تأمل برانگیز و با اطلاع کامل از اینکه هواپیمای در حال پرواز، از نوع مسافربری بوده و مقصد و مبدأ آن مشخص است، با شلیک یک فروند موشک از خلیج فارس ۲۹۰ مسافر ایرانی را که تمامی آنان غیر نظامی بودند، به شهادت رساند. این تحرکات و نیز تحرکات ارتش عراق در جبهه جنوب، شرایط جدیدی را پیش آورد که به دنبال آن جمهوری

اسلامی قطعنامه ۵۹۸ را به رغم عدم تأمین پیش شرط‌های خود پذیرفت. به دنبال آن، پس از اعلام آتش بس در تاریخ ۱۳۶۷/۶/۴ و با فشار دیپلماسی جمهوری اسلامی، قطعنامه دهم (۶۲۰) شورای امنیت صادر شد که در آن نیز دوباره استفاده از سلاح‌های شیمیایی محکوم شده و کاربرد این سلاح‌ها علیه ایران مورد تأیید شورا قرار گرفته بود.

عراق پس از برقراری آتش بس و عقب نشینی از خاک ایران، مناطقی از مرز را در اختیار داشت. طی این مدت، نه تنها سازمان ملل برای عقب راندن عراق از مناطق ایرانی تحت اشغال ارتش عراق اقدامی نکرد، بلکه تا قبل از حمله عراق به کویت حاضر نشد تجاوز عراق به ایران را تأیید کند. با حمله عراق به کویت در مرداد ماه ۱۳۶۹ از آنجا که این رژیم نمی‌خواست هم‌زمان در دو جبهه درگیر باشد، از مناطق اشغالی ایران خارج شد، اسیران ایرانی را آزاد کرد و پایبندی خود به قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر را اعلام نمود.

۱۱. جمع‌بندی عملکرد سازمان ملل با توجه به قطعنامه‌های صادر شده در جنگ عراق علیه ایران با نگاهی به ۱۰ قطعنامه صادر شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و بررسی حوادث قبل و بعد از صدور این قطعنامه‌ها مشخص می‌شد که در هیچ کدام از این قطعنامه‌ها تمامی شرایط مدون صدور قطعنامه، توسط این شورا لحاظ نشده و تمهیدات لازم برای اجرای کامل آن‌ها اندیشیده نشده بود. از طرفی با توجه به شرایط زمانی صدور این قطعنامه‌ها، همگی آنان در زمانی صادر می‌شد که ایران در عرصه نبرد پیشرفت‌هایی به دست می‌آورد، یا موازنه به نفع ایران رقم می‌خورد. بنابراین صدور این قطعنامه‌ها در آن هنگام نه تنها کمکی به ایران و خاتمه جنگ نمی‌کرد، بلکه در جهت تضعیف طرف مظلوم جنگ و محدود کردن اقدامات دفاعی آن و حمایت و پشتیبانی تلویحی از متجاوز بوده است.

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در مقایسه با قطعنامه‌های پیشین آن، دارای نکات مثبتی است و برای اولین بار آغاز جنگ و نقض قواعد و اصول حقوق جنگ را مورد سرزنش قرار می‌دهد و خواستار تشکیل یک هیئت بی طرف تحقیق در مورد مسئولیت جنگ می‌شود. در عین حال، این قطعنامه نیز ضعف‌های ریشه‌ای و اساسی دارد. عملکرد سیاسی و ناعادلانه شورای امنیت کاملاً مشهود است. «متأسفانه، در مواردی همین سیاست بین‌الملل، مانع عظیمی در راه پیشرفت و عدم اجرای مقررات بین‌المللی است، اما این امر می‌تواند (با جهت‌گیری بی طرفانه) عامل پیشرفت و اجرای حقوق بین‌الملل نیز باشد.» (ضیایی، ۱۳۹۳: ۵)

با توجه به ملاحظات فوق جمهوری اسلامی ایران ابتدا، نه قطعنامه مزبور را پذیرفت و نه آن را رد کرد و اعلام داشت که لازم است تشکیل کمیته تعیین متجاوز قبل از اجرای بندهای دیگر صورت گیرد.

بررسی مجموع قطعنامه‌ها و اقدامات شورای امنیت نشان می‌دهد که هر چند مواضع غیر عادلانه

شورای امنیت در خصوص جنگ تحمیلی با گذشت زمان و به دنبال پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های مختلف اندکی تعدیل شد و به تدریج به واقع بینی نزدیک‌تر، ولی هنوز بین عملکرد این شورا و وظیفه‌ای که به موجب منشور به عهده‌اش بود، فاصله قابل ملاحظه‌ای وجود داشت. در جدول ذیل به اختصار مزایا و محدودیت‌های قطعنامه‌های شورای امنیت جمع‌بندی شده است و چنان که مشاهده می‌شود ۴۰ درصد این قطعنامه‌ها مزیتی برای ج.ا.ایران در بر ندارند و تقریباً همگی آن‌ها محدودیت‌هایی را در پی داشته‌اند.

شماره	مزایا برای ایران	محدودیت‌ها برای ایران
۴۷۹	-	توصیه بودن-عدم اشاره به متجاوز و محکومیت تجاوز- وضعیت خواندن جنگ
۵۱۴	ذکر احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشورها	توصیه بودن-عدم مداخله در امور داخلی کشورها (مدنظرعراق)
۵۲۲	-	جهت بازدارندگی موفقیت‌های ایران
۵۴۰	تأکید بر رعایت حق کشتیرانی-لزوم بررسی علل جنگ-اشاره به گزارش هیئت بازرسی	اشاره به امنیت آبراهه‌ها (مدنظرعراق)
۵۵۲	اشاره به گزارش نمایندگان دبیر کل	ذکر نکردن نام عراق به عنوان ناقض موازین بین‌المللی
۵۸۲	-	آزادسازی اسرا و عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی
۵۸۸	-	وضعیت خواندن مجدد تجاوز
۵۹۸	منازعه خواندن جنگ-تصمیم بود نه توصیه-تأمین حداقلی خواسته‌های ایران	شفاف نبودن الزامات و راه‌های اخذ غرامت از عراق- مشخص نکردن متجاوز
۶۱۲	تأیید به کاربردن سلاح‌های شیمیایی	بازدارندگی از به کارگیری توانمندی‌های احتمالی
۶۲۰	محکومیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی	دیر هنگام بودن قطعنامه

## ۱۲. مقایسه بین تجاوز عراق به ایران با کویت

پس از تجاوز عراق به کویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد، در ظرف چهار ماه دوازده قطعنامه علیه عراق به تصویب رسید که در تاریخ شورا بی سابقه بود. قطعنامه‌های مذکور در خواسته‌هایی را مطرح و شرایط گوناگونی به عراق تحمیل شد. (از جمله خروج کامل و بی‌قید و شرط از کویت). با ادامه بحران و شروع جنگ و تحقق آتش بس و مسائل مترتب بر آن، تعداد قطعنامه‌های شورای امنیت افزایش یافت، به طوری که از ۲ اوت ۱۹۹۰ تا ۱۱ اکتبر ۱۹۹۱، ۲۳ قطعنامه در خصوص جنگ عراق و کویت به تصویب رسید.

شورای امنیت در همان روز اشغال کویت با صدور قطعنامه ۶۶۰ آن را محکوم کرد و خواهان عقب نشینی فوری و بی‌قید و شرط همه نیروهای عراقی شد. به منظور اجبار عراق به خروج از خاک کویت، با صدور چند قطعنامه تحریم‌های گسترده‌ای را علیه این کشور به مورد اجرا گذاشت و بایکوت کاملی را در روابط اقتصادی، تجاری، مالی (قطعنامه ۶۶۱) عراق به وجود آورد. الحاق کویت به عراق را مردود و فاقد اعتبار دانست (قطعنامه ۶۶۲) و خواستار تحریم‌های بیشتر علیه عراق

(قطعنامه ۶۷۰) شد. استفاده از زور (قطعنامه ۶۶۵) را برای رعایت تصمیمات شورا و تحریم دریایی عراق مجاز شمرد. در قطعنامه ۶۶۱ با استناد به مواد ۲۵، ۴۱ و ۴۸ منشور ملل متحد شدیدترین محدودیت‌های ممکن علیه یک کشور در تاریخ حیات سازمان ملل متحد، گنجانده شد. این تحریم موجب کاهش ۹۷ درصدی صادرات عراق شد.

قطعنامه ۶۸۷ ترتیبات مربوط به یک تحریم کلی در خصوص فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی به عراق را مورد بحث قرار داد. یک چنین ترتیباتی تاکنون از سوی شورای امنیت سابقه نداشته است. گزارش بسیار مهم خاویر پرز دوکوئیار که یکی از آخرین اقدامات او در مقام دبیرکلی سازمان ملل بود، نیز بسیار گویاست. یافته اساسی دبیرکل دایر بر اینکه توسل عراق به زور در برابر ایران در ۱۹۸۰ شایسته همان تقبیح حقوقی است که در مورد تجاوز عراق به کویت ابراز شده است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۳۴).

به طور کلی، واکنش شورای امنیت به هنگام تهاجم عراق به ایران بسیار متفاوت از واکنش سریع، مؤثر و قاطعانه آن در قبال تهاجم عراق به کویت در ۱۰ سال بعد بود. در اولین روز از حمله سراسری عراق به قلمرو ج.ا.ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ کورت والدهایم دبیرکل وقت سازمان ملل، به هر دو دولت ایران و عراق پیشنهاد کرد که وی مساعی جمیله خود را جهت کمک به حل مسالمت آمیز برخورد میان دو کشور به کار بندد و از دو کشور خواستار خویشتن‌داری و مذاکره برای حل اختلاف شد. روز بعد شورای امنیت بنا بر خواسته دبیرکل تشکیل جلسه داد و اولین موضع‌گیری خود را نه از طریق یک قطعنامه قاطع، بلکه از طریق یک بیانیه که اهمیت سیاسی و حقوقی بسیار کمتری دارد، اعلام نمود. در این بیانیه اعضای شورا ضمن ابراز نگرانی به طور مبهم از ایران و عراق خواستار حل اختلافات خود از راه‌های مسالمت آمیز شدند.

شورای امنیت اولین قطعنامه خود (۴۷۹) را ۶ روز بعد از شروع جنگ عراق علیه ایران در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ صادر کرد. قطعنامه ۴۷۹ تهاجم گسترده و همه جانبه عراق به ایران را تنها "وضعیت" بین ایران و عراق می‌خواند و با بی تفاوتی از ایران که هدف تجاوز قرار گرفته است، می‌خواست تا بلافاصله از کاربرد بیشتر زور خودداری کند! به علاوه شورا از عراق نخواست تا نیروهای خود را از خاک ایران عقب کشیده و به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگرداند. همچنین تجاوز عراق به منزله نقض صلح و یک عمل تجاوزگرانه شناخته نشد و این عمل عراق محکوم نگردید (همان: ۵۴).

شورا می‌توانست تهاجم عراق به ایران را تهدید علیه صلح یا نقض صلح و یا اعمال تجاوز بداند و لاجرم به مواد ۳۹ تا ۵۰ منشور از فصل هفتم مراجعه نماید. این دوگانگی برخورد شورا در قبال دو عمل تجاوزگرانه آن هم از جانب یک کشور، بیانگر سیاسی و جانبدارانه بودن مواضع شورای امنیت در قبال مسائل مهم سیاست جهانی بوده و بیشتر از هر چیزی منافع کشورهای قدرتمند شورا را

متجلی می‌سازد و نشان می‌دهد، سازمان ملل کارایی لازم را نسبت به تجاوز عراق علیه ایران نداشته است. استفاده شورا از ماده ۲۴ در جنگ اول خلیج فارس دلیل بارزی بر ضعف قطعنامه بوده و بیانگر اراده ضعیف شورا است. زیرا ماده ۲۴ به شرح وظایف و اختیارات شورا می‌پردازد، در حالی که هیچ بحثی بر سر صلاحیت یا عدم صلاحیت شورا برای رسیدگی به مسئله جنگ بین دو کشور مطرح نبوده است که شورا در مقام دفاع آمده و به ماده ۲۴ منشور اشاره می‌نماید.

از نقطه نظر حقوقی هیچ چیز قصور آشکار شورای امنیت از اقدام قاطع در برابر یک تجاوز آشکار را موجه نمی‌سازد. بر اساس ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. اگر شورای امنیت همان ابتدا، عراق را مسئول جنگ می‌شناخت قطعاً جنگ تا ۸ سال به درازا نمی‌کشید و قریب نیم میلیون نفر کشته و میلیاردها دلار خسارات مادی بر جای نمی‌گذاشت و احتمالاً عراق جرات نمی‌کرد کویت را مورد تجاوز قرار دهد.

«همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، موضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به کویت از حیث احراز تجاوز از چند جهت با موضع این رکن در برابر تجاوز عراق به ایران متفاوت است. اول اینکه شورای امنیت در تجاوز عراق به ایران در طی شش سال از چارچوب فصل ششم منشور پای فراتر نهد و با اطلاق وضعیت به این تجاوز آن را اختلافی قلمداد کرد که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکند. شورا در تجاوز عراق به کویت در همان روز نقض صلح میان عراق و کویت را احراز کرد. دوم اینکه بعد از شش سال شورای امنیت در قطعنامه ۵۹۸ احراز کرد که در جنگ ایران و عراق نقض صلح حادث شده است و با آوردن بند ۶ در قطعنامه، از تعیین ناقض صلح استنکاف ورزید، درحالی که شورا در همان اولین قطعنامه خود در بحران کویت، عراق را به عنوان ناقض صلح معرفی و محکوم کرد. سوم اینکه شورا در تجاوز عراق به کویت خود رأساً مسئول جنگ را شناسایی و اعلام کرد در حالی که در تجاوز عراق به ایران، این مهم را به دبیر کل محول نمود و سرانجام اینکه شورا در برابر بیانیه دبیر کل مبنی بر متجاوز بودن عراق در جنگ علیه ایران هیچ موضع صریحی اتخاذ نکرد ولی در مقابل تجاوز عراق به کویت واکنشی بی سابقه از خود نشان داد. تجاوز را فوراً محکوم کرد و مجازات‌های اقتصادی نه فقط وضع شد بلکه به گونه‌ای مؤثر اعمال شد. علاوه بر این شورای امنیت، نظارت و کنترل خود بر اقدامات نیروهای ائتلاف را به کنار نهاد. تلاش کشورهای مختلف نیز برای اعمال این کنترل از سوی شورا راه به جایی نبرد زیرا شورا به آن تمایل و رغبتی نداشت.» (زمانی، ۱۳۷۶: ۱۵ و ۱۶)

### نتیجه‌گیری

باید گفت تقریباً تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت محدودیت‌هایی برای ج.ا.ایران در پی داشته‌اند و ۴۰ درصد این قطعنامه‌ها فاقد مزیت و کاملاً بر مبنای منافع عراق و اعضای تأثیرگذار شورای امنیت

بوده‌اند. در هیچ کدام از این قطعنامه‌ها تمامی شرایط مدون صدور قطعنامه لحاظ نشده و تمهیدات لازم برای اجرای کامل آن‌ها نیز اندیشیده نشده بود. منازعه شناخته شدن تجاوز عراق توسط شورا مهم‌ترین وجه مثبت و شفاف نبودن الزامات و راهکارهای اخذ غرامت از دولت عراق و شناسایی متجاوز از مهم‌ترین محدودیت‌های قطعنامه‌های شورای امنیت درباره جنگ عراق علیه ایران است. برخورد دوگانه سازمان ملل در تجاوز عراق علیه ایران و کویت که به تفصیل بررسی شد، دلیلی است بر اثبات این نظر که شورای امنیت سازمان ملل در انجام وظایف خویش در چارچوب منشور سازمان قصور کرده و درگیر جانبداری‌های سیاسی و ناعادلانه گشته و حقوق را به پای منافع برخی اعضای مستکبر خویش قربانی نموده است. در نتیجه عملکرد قابل قبول و بی‌طرفانه‌ای مشاهده نمی‌شود. چه خصوصیتی در قربانیان تجاوز نهفته بود که در جایی شورا تا هفت سال جرم و تجاوز را، اختلافی قلمداد می‌کند که ممکن است به اصطکاک بین‌المللی منجر شود ولی در جای دیگر علاوه بر دفع تجاوز، تنبیه متجاوز و جبران خسارت ناشی از جرم را مورد توجه قرار می‌دهد؟ چرا شورای امنیت در تجاوز عراق علیه ایران حتی از اختیارات قانونی خویش استفاده نکرد، اما در تجاوز عراق علیه کویت از محدوده اختیارات خویش پای را فراتر نهاد؟ قطعاً پایبندی کشورمان به حفظ استقلال و عدم وابستگی به اردوگاه شرق و غرب باعث شد که تجاوز عراق علیه ایران اولین مخاصمه بین‌المللی قلمداد شود که شرق و غرب دو طرف آن نبوده و هر دو از متجاوز حمایت کنند. در حالی که در تجاوز عراق علیه کویت به لحاظ اقتضای منافع ملی، همگی جانب قربانی را گرفتند. اعضای دائم شورای امنیت بدون توجه به این اصل بنیادین حقوقی که قاعده حقوقی ذاتاً باید عمومی باشد و رفتار تمام تابعان نظام بین‌المللی را یکسان به نظم کشد، همواره تأمین منافع خود را تعقیب کرده و عدالت و حقوق را فدای شعار رنگین صلح نموده‌اند. عملکرد دوگانه شورا در تجاوز به ایران و کویت تلاش برای معین ساختن محدوده حقوقی اختیارات شورای امنیت و تمهید ابزارهای مؤثر برای کنترل مشروعیت عملکرد آن را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

نتیجه دیگری که از تحقیق حاصل می‌شود نشان دهنده تأثیر قدرت نظامی کشورمان در رویکرد جامعه بین‌المللی و به ویژه شورای امنیت است. مشاهده شد ضعف قدرت نظامی، فشار بیشتر شورای امنیت را در پی داشت و در نقطه مقابل، افزایش توان نظامی و پیروزی‌های کشورمان تلاش شورا برای محدود کردن پیروزی‌ها و توان نظامی ما و در کنار آن توجه بیشتر به خواسته‌هایمان را در پی داشت که نمونه آن قطعنامه‌های ۵۸۸ و ۵۹۸ بود و این خود دلیلی بر اثبات رابطه مستقیم قدرت نظامی و توان دیپلماتیک کشورمان و ضرورت پیش برد این دو در کنار هم می‌باشد.

## پیشنهادات

در پایان چند پیشنهاد مبرهن می‌نماید:

۱. افزایش هر چه بیشتر بررسی‌های موردی عملکرد سازمان ملل برای اصلاحات ساختاری و قضاوت مستند و مستدل در مورد عملکرد این نهاد در کنار انعکاس هر چه بیشتر آن در جامعه بین‌المللی به ویژه توسط نشریات و رسانه‌های جمعی و دیپلماسی عمومی.
۲. حداکثر توجه و بهره‌برداری از ساختارها و مقررات بین‌المللی چنان که مزایای اندک قطعنامه ۵۹۸ نیز چنان که ذکر شد، معلول این توجه و خودداری از سیاست قهر با نهادهای بین‌المللی بود.
۳. توجه روز افزون به پیگیری حقوقی مطالبات کشورمان از مجاری بین‌المللی توسط ارکان ذی ربط به ویژه دستگاه دیپلماسی کشور به دور از مصلحت‌بینی‌های روابط بین‌الملل به ویژه در تجاوز ویرانگر عراق.

## منابع

### منابع فارسی

۱. ای. اف. دکر. اچ. جی. پست، جنگ عراق علیه ایران، ترجمه دفتر خدمات حقوق بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۱۳، ۱۳۶۹.
۲. بلز، چیکاوا (۱۳۸۷)، چکیده رویه قضایی در حقوق بین‌الملل عمومی، همایون حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
۳. پارسادوست، منوچهر (۱۳۷۱)، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴. خالوزاده، سعید (۱۳۷۵)، شورای امنیت در قبال جنگ عراق و کویت، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. روحی، نبی‌الله، «گاه‌شمار دفاع مقدس»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۹۱، تابستان ۱۳۷۶.
۶. روسو، شارل (۱۳۹۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، دکتر محمد علی حکمت، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران.
۷. زمانی، سیدقاسم، تأملی بر مواضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران و کویت، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۰ و ۲۱، ۱۳۷۶.
۸. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، نگرش اجمالی به حقوق جنگ، مجله حقوقی، ش ۶، تابستان و پاییز ۱۳۶۵.
۹. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴)، اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، گنج دانش، چاپ هشتم.
۱۰. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش.
۱۱. طارم سری، مسعود، و همکاران، «مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل»، زیر نظر دکتر جمشید ممتاز، مجله حقوقی، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۶۶.
۱۲. فلسفی، هدایت‌ا...، «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، پاییز-تابستان ۱۳۶۹.
۱۳. مصفا، نسربین، و همکاران (۱۳۶۶)، تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، زیر نظر دکتر

- جمشید ممتاز، تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران.
۱۴. ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مخصصات مسلحانه داخلی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۱۵. ممتاز، جمشید (۱۳۶۷)، «حق طبیعی دفاع مشروع در جنگ عراق با ایران: دیدگاه ایرانیان»، در: جمشید ممتاز، ایران و حقوق بین‌الملل، ترجمه امیرحسین رنجبریان، تهران، دادگستر.
۱۶. ممتاز، جمشید (۱۳۶۷)، «مذاکرات ایران و عراق به منظور اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت»، در: جمشید ممتاز، ایران و حقوق بین‌الملل، ترجمه امیرحسین رنجبریان، تهران، دادگستر.
۱۷. ممتاز، جمشید، «تفویض اختیار توسل به زور توسط شورای امنیت» سخنرانی در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۸۲.
۱۸. والاس، ربکا (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل، سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران، شهر دانش.
۱۹. وزارت امور خارجه، «تحول در برخورد شورای امنیت با مسائل جنگ تحمیلی در مجامع بین‌المللی»، فصلنامه اداره کل امور بین‌الملل وزارت امور خارجه، شماره ششم، تیر ۱۳۶۴.
۲۰. روزشمار جنگ ایران و عراق (۱۳۷۵) کتاب چهارم، هجوم سراسری، مرکز مطالعات سپاه.

#### منابع انگلیسی

- 20- Gill, A. "Legal and Some Political Limitations on the Power of the UN Security Council to Exercise its Enforcement Powers under Chapter VII of the Charter", *Netherland Yearbook of International Law* (26), 1995.
- 21- Dekker, "Criminal Responsibility and the Gulf War of 1980-1988: The Crime of Agression", in: Dekker and H. Post (eds.), *the Gulf War of 1980-88*, (Geneva, Martinus Nijhoff, 1992).
- 22- Picco, G. "The UN and the Use of Force", *Foreign Affairs*, 73, 1994 .
- 23- Issac Paenson, *Manual of Terminology of the Law of Armed conflicts and of International Humanitarian Organizations*, Martinus Nijhoff, 1989.
- 24- Burroughs, J., Lichterman, A., and Ratner, M. "Lawyer's Statement on the UN Charter and the Use of Force against Iraq", Oct.2, 2002, [www.wslf.org](http://www.wslf.org) .
- 25- Koskeniemi, M. "The Police in the Temple, Order, Justice and the UN: A Dialectical View", *EJIL*, 6(1), 1995.



## **Evaluation of Security Council Resolutions Regarding Iraq's War Against Iran and Kuwait**

**M. Soleymani Zadeh**

### **Abstract**

The Security Council performance does not seem fair and requires fundamental reforms. Hence, to evaluate the performance of the international communities, focusing on the United Nations, especially the Security Council, sounds important to see how logical, fair and successful have they acted. The present research seeks to compensate for the lack of a comprehensive legal analysis of all resolutions and the historical and political conditions in issuing them in most of the relevant studies. The goal is also to conduct a developmental research in order to, on the one hand, investigate the Security Council's performance and, on the other hand, review and assess the advantages and limitations of the functional specification of the Security Council resolutions during the sacred defense. In addition, the methodology follows the cross-sectional and qualitative styles by using library tools for note-taking and collecting and analyzing data. The paper will finally conclude that the Security Council had a political and twofold viewpoint toward Iraq's invasion to Iran and Kuwait. Furthermore, none of the resolutions (concerning the invasion to Iran) included the required statutory conditions for resolution issuance and, worse than that, necessary measures for full implementation of them were not taken by the Council and, consequently, 40 percent of the resolutions did not have any benefit for Iran. That there was tiny advantage in some resolutions was the result of the Iran's success in the battlefield and international political conditions. In fact, there is a direct relationship between the Iran's military power and the Council's performance.

**Keywords:** the Security Council, resolutions, the sacred defense, international law, twofold performance